

خلاصه صورتجلسه گروه اقتصاد پیرامون بررسی پول اعتباری

موضوع پول خصوصاً پول اعتباری امروزی که پشتوانه آن تولید ناخالص ملی است از جمله موضوعات بحث برانگیز اقتصادی است که عده‌ای با تحلیل مناسبات شرعی بر این باورند که چنین پولی، افزون بر اینکه موجب تورم است، سبب دور شدن جامعه دینی و اسلامی از اهداف خود می‌شود؛ چرا که محصول تورم، کاهش ارزش پول بوده و به تبع آن در قرض اسکناس و پول اعتباری، به ناچار بر یکی از طرفین قرض، ضرر وارد می‌شود که در شرع اسلام از آن به ظلم یاد شده است؛ چون اگر قرار باشد که قرض‌گیرنده همان مبلغ اسمی پول را به قرض‌دهنده پس دهد موجب ظلم به قرض‌دهنده است؛ چون ارزش پول کاهش یافته و به تبع آن قدرت خرید نیز تنزل پیدا کرده است و چنانچه قرض‌گیرنده مجبور به جبران کاهش ارزش پول باشد، ظلم به او روا داشته می‌شود در حالیکه عامل این کاهش ارزش، او نبوده و دولت با چاپ بی‌رویه اسکناس موجب چنین ضرری شده است. بر این اساس و بر مبنای پول رایج جهانی که با پشتوانه تولید ناخالص ملی چاپ می‌شود قرضی که در آن، شعار اسلامی "لا تظلمون و لا تظلمون" تحقق یافته باشد، از جامعه اسلامی رخت برمی‌بندد و تبدیل به قرضی می‌شود که در آن "إما تظلمون و إما تظلمون" محقق است.

دیدگاه حضرت آیت الله حائری شیرازی (دام ظلّه)

حضرت آیت الله حائری شیرازی از جمله افرادی هستند که این دیدگاه را پذیرفته و بر این باورند که باید پول را به گونه دیگری تعریف کرد.

براین اساس، گروه اقتصاد مرکز موضوع شناسی احکام فقهی بر آن شد تا این نظریه را نقد و بررسی نماید و به همین منظور با دعوت از معظم‌له، دیدگاه ایشان را در طی دو جلسه در مورخه ۱۳۹۳/۱۱/۹ و ۱۳۹۳/۱۱/۱۶ در محل سالن جلسات مرکز موضوع شناسی احکام فقهی مورد بحث و بررسی قرار داد که خلاصه و جمع بندی آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱- یکی از اشتباهات این است که خیلی‌ها پول رایج امروزی را مال می‌دانند در حالیکه به اعتقاد ما این پول، مال نیست بلکه اعتبار محض است.

۲- پول رایج، اعتبار در اعتبار است و به هیچ صورتی قابل کنترل نیست.

۳- قانون فقهی "من له الغنم فعلیه الغرم" اقتضاء می‌کند که هر کسی صاحب منفعت است زیان و خسارت آن را هم باید به عهده بگیرد. در قرض با پول رایج، این قانون رعایت نمی‌شود چون همواره از قرض‌گیرنده گرفته می‌شود و او را ضامن کاهش ارزش پول می‌دانند؛ از این رو، در وام‌هایی که بانکها و مؤسسات پولی و اعتباری به مردم می‌پردازند کاهش ارزش پول را هم محاسبه و به عهده وام‌گیرنده می‌گذارند.

۴- اگر بخواهیم قرض بدون ظلم محقق شود و قانون فقهی یاد شده رعایت گردد، باید دولت مجبور باشد که این خسارت را به قرض‌دهنده بپردازد؛ چون سود تورم و چاپ اسکناس مازاد بر نیاز، به دولت رسیده است پس باید خسارت را هم متحمل شود.

۵- برای خروج از این وضعیت و رسیدن به قرض "لا تظلمون و لا تظلمون" باید پول را تغییر دهیم به این صورت که:

الف) میزان ارزش را با طلا بسنجیم؛ اما طلا پرداخت نشود، فرد می‌تواند به میزان ارزش طلای پشتوانه‌ای، کالای مورد تعهد و مورد نیاز دریافت کند.

قاعده عقلیه "من له الغنم فعليه الغرم" چنانچه دولت بر اثر سیاست‌های نادرست پولی و چاپ بی‌رویه و بدون پشتوانه اسکناس عامل کاهش ارزش پول و تنزل قدرت خرید شود ضامن بوده و باید ضرر دیدگان را جبران نماید.

جمع‌بندی

شورای گروه اقتصاد با تقدیر و تشکر از حضور گرم و جدی و صمیمی حضرت آیت الله حائری شیرازی و ارائه دیدگاه خود پیرامون پول اعتباری و نقش آن در بوجود آمدن مشکلات اقتصادی در روابط معاملاتی و ارائه راهکاری برای برون رفت از این مشکلات مبنی بر الزام دولت به انتشار اسکناس بر پایه ارزش مضربی از گرم طلای تعریف شده، نتایج و جمع‌بندی جلسات را به این ترتیب بیان می‌دارد.

۱. مطالعه دقیق آیات و روایات و تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد دین اسلام روی شکل یا نوع خاصی از پول تاکید ندارد و درهم و دینار رایج در صدر اسلام، صدها سال قبل از دین اسلام نیز از طریق تعامل مردم جزیره العرب با ایران و روم وارد عربستان شده و بعد از ظهور اسلام، دین اسلام آنها را به عنوان ابزار معامله پذیرفته است.

۲. آنچه از منظر اسلام اهمیت دارد و مورد تاکید است رعایت معیارهایی در پول است که مهمترین آن معیارها در شرایط کنونی قاعده قرآنی (لاتظلمون و لاتظلمون) و قاعده عقلی و روایی (من له الغنم فعليه الغرم) می‌باشد.

۳. به مقتضای قاعده اول (لاتظلمون و لاتظلمون)، بایستی پول رایج در میان مسلمانان به گونه‌ای باشد که کسی از نگهداری پول، قرض دادن پول یا هر نوع داد و ستد مدت‌دار پول، ضرری به دیگری وارد نکرده و خود نیز متضرر نشود. بنابراین اگر دولت با انتشار بی‌ضابطه پول موجب تورم و کاهش مستمر ارزش پول گردد، موجب نقض قاعده نخست پول در جامعه اسلامی شده زمینه را برای ظلم فراهم می‌آورد.

۴. به مقتضای قاعده دوم (من له الغنم فعليه الغرم)، اگر دولت با انتشار بی‌رویه پول موجب ضرر و زیان به دارندگان پول شود ضامن است و بایستی ضرر آنان را جبران نماید.

۵. سایر عوامل تورم اعم از تورم طرف عرضه یا تقاضا که ناشی از رفتار خاص دولت نبوده و روی نرخ تورم و در نتیجه کاهش ارزش پول تاثیر می‌گذارند از نوع تغییرات قیمت بازاری دارایی‌ها بوده و ضرر و زیان ناشی از آن به عهده فرد خاصی مانند دولت نیست.

۶. نتیجه نهایی اینکه از نظر اسلام شکل خاص پول مورد توجه نیست پول می‌تواند یک کالای با ارزش چون طلا یا نقره باشد، می‌تواند اسکناس یا پشتوانه قابل تبدیل به طلا و نقره باشد، می‌تواند پول اعتباری با پشتوانه غیر قابل تبدیل به طلا و نقره باشد کما اینکه می‌تواند پول اعتباری محض باشد که با اعتبار و تعهد دولت بوجود می‌آید چیزی که از نظر اسلام اهمیت دارد رعایت قواعد و معیارها است. بنابر این دولت اسلامی موظف است با رعایت انضباط صد در صد مالی و جلوگیری از سیاست‌های کسری بودجه و استقرار از بانک مرکزی و انتشار بی‌رویه پول، حافظ و نگهبان ارزش اموال و دارایی‌های مردم باشد.